

عنوان مقاله:

تحلیل جایگاه و انواع سیاق در تفسیر الکاشف محمدجواد مغنیه

محل انتشار:

دوفصلنامه کتاب قیم، دوره 8، شماره 19 (سال: 1397)

تعداد صفحات اصل مقاله: 21

نویسندگان:

فاطمه آقاخانی - کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث

محمد مولوی - استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)، (نویسنده مسئول)

خلاصه مقاله:

سیاق به عنوان قرینه مقالیه، درون متنی و متصل به کلام، چارچوب و فضایی است که پیام الهی در آن صورت یافته و برای فهم آیات، کاربرد اساسی دارد. قرینه بودن سیاق برای فهم کلام، از اصول عقلایی است که مورد توجه همه عقلا و دانشمندان است و در تفسیر قرآن نیز نقشی اساسی دارد. از این رو، تفسیر قرآن بدون توجه به سیاق می تواند موجب لغزش و دور شدن از مقصود قرآن بشود. مفسران قرآن همواره به این مهم توجه داشته و کم و بیش از آن بهره برده اند. محمدجواد مغنیه از مفسران معاصر قرآن، در فهم قرآن به سیاق توجه ویژه داشته است. از نظر وی گرچه سیاق یکی از قرائن اصلی و اولیه در فهم کلام خداوند است، ولی گاهی باید به سبب وجود دلایلی قوی تر، از سیاق چشم پوشید. او شرط بهره گیری از سیاق را تحقق ارتباط نزولی آیات، پیوستگی آن ها در معنا و تعارض نداشتن با قرینه قوی تر می داند. چنانچه سیاق، شرایط فوق را احراز نکند از نظر مغنیه فاقد اصالت و اعتبار خواهد بود. در پژوهش حاضر تلاش شده است با روش توصیفی تحلیلی، مبانی و روش تفسیری مغنیه در استفاده از سیاق، انواع و شرایط استفاده از آن و نمونه های کاربردی آن در این تفسیر تبیین شود.

کلمات کلیدی:

سیاق، تفسیر الکاشف، محمدجواد مغنیه، تناسب آیات

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/871968>

